Archive of SID

11th International Conference on Language, Literature History and Civilization
March 5, 2024 Tbilisi - Georgia

تحلیل گفتمان حاکم بر روایت های بصری فالنامه های مصور دوره ی صفوی

ریحانه محمدزاده[۱]، نیّر طهوری[۲]، طاهر رضا زاده[۳]

۱-دانشجوی دکتری تخصصی پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی -واحد علوم و تحقیقات،تهران(نویسنده مسئول)

۲-استادیار تخصصی گروه هنر،عضو هیئت علمی دانشکده عمران،معماری و هنر ،دانشگاه علوم و تحقیقات،تهران

۳-استادیار تخصصی گروه هنر،دانشکده عمران، معماری و هنر دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات،تهران

چکیده

آثار هنری در هر دوره محصول شرایط مذهبی ،سیاست ، فرهنگ و اقتصاد آن جامعه هستند و اثر هنری در رابطه با بستری که در آن شکل گرفته است می تواند مناسبات قدرت را در جامعه ی مذکور به نمایش بگذارد. در این راستا در دوره ی اول صفوی هنر نگارگری دچار تحولاتی شد که از آن میان می توان به شکل گیری گونه ایی از آثار تحت عنوان فالنامه های مصور دارای نگاره اشاره کرد که به ویژه در دوران شاه طهماسب ترویج و گسترش یافتند. روایت های بصری موجود در نگاره های فالنامه های مصور دارای نگاره مجموعه ایی از روایت های مذهبی، حماسی، ادبی و تنجیمی است که کارکردی در راستای اهداف فالنامه های مصور یعنی پیشگویی آینده داشته اند و همچنین ابزاری برای بیان جهان بینی صاحبان حکومت، باورها و اعتقادات طبقات مختلف جامعه، جریان های درونی و فرهنگی موثر در عهد صفوی بودند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی مناسبات گفتمانی موثر بر فالنامه های مصور دارای نگاره در عصر صفوی است. نوع پژوهش، کیفی و تاریخی است و با روش تحلیلی -توصیفی به تبیین عملکرد گفتمانی فالنامه های مصور در این دوره پرداخته است. برای تحلیل داده ها از نظریه گفتمان"میشل فوکو"استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که ترویج فرهنگ دینی تشیع در کنار باورهزاره گرایی، کیهان باوری و روایت های عامیانه از منابع غیر رسمی تشیع ،گاه تسنن یا حتی در موردی یهودیت ، تشکیل دهنده ی گفتمان ویژه فالنامه های مصور صفوی هستند که با خوانش خاص صفویان از این روایات ، تماما در راستای مشروعیت بخشی به حکومت صفوی و اعمال قدرت و تثبیت باورهای حکومت با استفاده از ابزار مختلفی همچون هنر نگارگری بوده است.

واژگان کلیدی: گفتمان، فالنامه مصور، صفوی، قدرت، مشروعیت بخشی

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

باور به فال و سعد و نحس کواکب و تاثیر آن بر سرنوشت انسان، پیش‌گویی و ارتباط با غیب بستر شکل گیری آثار خاصی در فرهنگ ایران تحت عنوان فالنامه شده است . یکی از نمونه های این فالنامه ها، فالنامه های مصور دارای نگاره در دوره ی اول صفوی است که چهار نسخه ی برجسته از آنها یافت شده است .این فالنامه های مصور تصویرگر اعتقادات، جریان های سیاسی، مذهبی و اجتماعی دوره ی صفوی و نشان دهنده ی باورهای عامه مردم در آن دوره می باشند. از مهمترین ویژگی های نگاره های عصر صفوی این است که "بیش از آنکه روایت ادبی کتاب را بیان کند، در لایه های زیرین خود، راوی ویژگی های مردم شناختی و رخدادهای عصر نگارگر است"(نظرلی، ۱۳۹۰). در تاریخ ایران برخی از گفتمان ها تأثیر عمیق و گسترده ای بر صورتبندی مسائل اجتماعی و فرهنگی داشته اند.نظریهٔ گفتمان نظریه ای است که سعی دارد شیوهٔسخن گفتن و فهم ما از جهان پیرامون را توضیح دهد (یورگنسن و فیلیپس،۱۳۹۴). فوکو معتقد است ساختارهای قدرت در عینیت دادن به هر گفتمان و کنار گذاشتن گفتمانه ای دیگر نقش پررنگی دارند. قدرت از دیدگاه او امری بیرونی یا وابسته به اقتصاد و ... نیست،بلکه قدرت در همه چیز است ومویرگ هایی از روابط است که شبکهٔ های ارتباطی متعددی را تشکیل میدهدکه این شبکه ها در تعامل با هم یک گفتمان را میسازند. قدرت تولید کننده ی واقعیت ها و قلمروهای ابژه ها و حقیقت است و خرد و شناختی که در هر دوره می توان به دست اورد به این تولید بستگی دارد (فوکو،۱۳۷۸) فوکو معتقد است قدرت در خردترین جاهاست نه در شکلهای نهان نهادهای اجتماعی و نهادهای سیاست. منظور فوکو از قدرت کاملا متفاوت از معنای متداول آن یعنی همان فرضیهٔ سرکوب بوده و قدرتی است که فرد را از درون و به میل و ارادهٔ خود وادار به انجام کاری می نماید. با توجه به این دیدگاه میتوان هنر را به مانند جامعهٔهنری در نظر داشت که قدرت در آن در حال اعمال شدن است. یکی از این گفتمان های اصلی که شکل نهایی خود را در عصر صفوی در میدان فرهنگی و اجتماعی پیدا کرد، حول دین و مذهب شکل گرفت (یعقوب زاده، عبداللهی فرد و ...، ۱۴۰۰). در موضوع مورد بحث یعنی سنت فالنامه نگاری مصور ما با گفتمان های دیگری نیز مواجه می شویم که با وجود آنکه پیش از آمدن تشیع در ادوار تاریخی گذشته نیز وجود داشته اند اما حالا با تقویت شدن از سوی گفتمان دینی تشیع ، در راستای مشروعیت بخشی به پادشاهان صفوی به کار گرفته شده اند که از آن میان می توان به باور هزاره گرایی و باورهای کیهانی . و روایت های عامیانه و غیر رسمی شیعی و غیر شیعی اشاره کرد.

پرداختن به هنر دوره صفوی همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است، زیرا اولین دولت متمرکز ایرانی است که مذهب شیعه را در کل سرزمین ایران رسمیت بخشید و پیوند عمیق میان سیاست و دین را ایجاد کرد. در این میان اما به سنت فالنامه نگاری مصور کمتر پرداخته شده است و این در حالی است که فالنامه ها ی مصور منابعی بسیار مهم درشناخت هنر و سیاست این دوره از تاریخ می باشند. در پژوهش های پیشین ، فالنامه ها از منظر گفتمان تشیع بارها مورد بررسی قرار گرفته اند که از جمله می توان به پایان نامه دکتری الهام عصار تحت عنوان "تاثیر تفکر شیعی بر فالنامه های مصور دوره اول صفوی"(۱۳۹۳) اشاره کرد،

www.SID.ir

Archive of SID

که با هدف شناسایی و معرفی عناصر تصویری و مضامین شیعی موجود در فالنامه های مصور و بازشناسی مضامین آن در دیگر نسخ مربوط به این دوره، صورت گرفته است. همچنین فتانه محمودی و سعید اخوانی در مقاله «واکاوی لایه های معنایی در نگاره های فالنامه نسخه طهماسبی با رویکرد آیکونولوژی» تلاش کرده اند تا با استفاده از نظریه آیکونولوژی، فالنامه پراکنده را به عنوان قدیمی ترین نسخه از این فالنامه های مصور مورد بررسی و تحلیل قرار بدهند. اما استفاده از رویکرد گفتمان قدرت میشل فوکو در بررسی فالنامه ها از نوآوری این پژوهش محسوب میشود . این پژوهش سعی دارد با در نظر داشتن رویکرد گفتمان قدرت میشل فوکو به بررسی لایه ها و بسترهای حقیقی شکل دهنده ی روایت های بصری فالنامه ها بپردازد. براساس این فرضیه که انتخاب روایت های بصری در این فالنامه ها نه فقط تحت تاثیر تشیع که گاه تحت تاثیر باورهای دیگری بوده اند و مجموع این باورها در واقع تصویرگر گفتمان اجتماعی غالب بر فالنامه ها و در نهایت جامعه آن زمان بوده است. در این راستا این پژوهش تلاش میکند به این سوالات پاسخ دهد که آیا نگارگران فالنامه ها از گفتمان غالب در دوره ی صفوی برای انتخاب روایت ها بهره برده اند ؟ کدام گفتمان تاثیر بیشتری بر فالنامه ها داشته است ؟

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای انجام میگیرد. واحد تحلیل در این پژوهش، نگاره ها و فال مربوط به هر نگاره در فالنامه های مصور عصر صفوی است در پژوهش حاضر، بر اساس متون تاریخی ، مستندات دیداری، تأثیر گفتمان اجتماعی غالب بر عصر صفوی به شیوه اسنادی و با تکیه بر متون تاریخی، ادبی، ، پژوهشی و دیداری به مبحث مورد پژوهش میپردازد. اطلاعات این پژوهش به شیوۀ کتابخانه ای گردآوری شد. ابزار در روش کتابخانه ای کتاب، مقاله، اسناد، به طور مستقیم و حقیقی یا به طور غیر مستقیم و مجازی (اینترنت) است. در ابتدا فیش برداری از طریق مشاهده نگاره های موجود در نسخه ها و مطالعه متون و مکتوبات مرتبط با موضوع صورت گرفته است . ویژگی های بصری ساختاری و محتوایی نگاره ها مورد بررسی قرار گرفته می شود .در نهایت پس از جمع آوری اطلاعات به تجزیه و تحلیل داده ها باساس نظریه ی قدرت و گفتمان میشل فوکو پرداخته می شود تا بستر و جهان بینی شکل دهنده ی این فالنامه ها و روایت های بصری آن و فضای گفتمانی موجود این فالنامه ها بازتولید و شناسایی شود.

مبانی نظری پژوهش

گفتمان

از مفاهیمی که مرکز ثقل چارچوب تحلیل فوکو ر ا دربارۀ قدرت شکل میدهد، مفهوم گفتمان است. اگرچه در گذشته این مفهوم کاربرد خود را داشته، آثار میشل فوکو به این مفهوم معنایی دیگر داده است. برای فهمیدن گفتمان در اندیشۀ فوکو باید با دومفهوم قدرت و حقیقت نیز آشنا شد.گفتمان از راه های مختلف مکمل خشونت است. اقناع ایدئولوژیک یکی از مهمترین

www.SID.ir

Archive of SID

کاربردهای گفتمان است. قدرت از مفاهیم کلیدی فلسفهٔ اجتماعی است و از آن جا که هر معیار و مالکی برای ارزیابی نهادها و رابطه های اجتماعی به تعبیری از قدرت نیاز دارد بدون فهم قدرت، فهم جامعه ناممکن می نماید. هر پاسخ به این پرسش که چه نهادها و رابطه های اجتماعی مشروع اند ناگزیر همراه با برداشتی از مفهوم قدرت است»(حقیقی،۱۳۷۹)فوکو،گفتمان را خشونتی و یا عملکردی میداند که ما بر چیزها (تاریخ) تحمیل می کنیم و این روال، تنها راه قانونمندکردن رخدادهای تاریخ و بازپرسی تاریخ است(یعقوب زاده و عبدالهی فرد و ...،۱۴۰۰: ۸۰). گفتمان ها در صورتهای مختلف اعم از زبانی، نمادین، نمایشی، ژست، نوع لباس، عمارات و ساختمانها، شمایل و تندیسها، موزیک و غیره(میتوانند در اختیار قدرتهای رسمی جامعه قرار گیرند و به عنوان یک استراتژی برای توجیه و طبیعی جلوه دادن نا برابریهای اجتناب ناپذیر موجود در مرزهای اجتماعی و همچنین برای کسب رضایت و پذیرش کسانیکه قدرت بر آنان اعمال می -شود، به کار گرفته شوند. از اینرو کاربرد درست و آگاهانه گفتمان نیاز به کاربرد انواع خشونت را به عنوان تنها ابزار موجود، میتواند برآورده سازد و آمریت یا قدرت مشروع را جانشین زور و خشونت نماید (عضدانلو۱۳۶۶)در تحلیل گفتمان مجموعه شرایط اجتماعی ، زمینه وقوع متن یا نوشتار ، گفتار ، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه ها در گزاره ای کلی نگریسته می شود.قدرت از دید فوکو وبه واسطهٔ ساخت و کاربست دانش در عرصه های خاص و محلی موضعی توزیع میشود. قدرت–دانش به صورتی همزمان فرایندها وکشمکش هایی را درمی نوردد و در عین حال به تعیین قلمرو دانش نیز دست میبابد. قدرت به واسطهٔ نفوذ و دانش خود نسبت به روابطی متنوع از شخصی ترین و خصوصی ترین روابط گرفته تا عمومی ترینشان است. فوکو قدرت را مجموعه ای ناهمگن از استراتژی ها و تکنیک هایی میداند که در سراسر جامعه گسترده شدندنظریه، قدرت امریست که در حوزهٔ سیاست، در یک نهاد حاکم و یا ادوار گذشتهٔ تاریخی ایران در شخص پادشاه جمع میشود .اگر از این منظر به رابطهٔ هنر و قدرت پرداخته شود، میتوان استنباط کرد که شخصی که دارای قدرت است سعی میکند از طریق ابزاری به نام هنر به طرق مختلف قدرت خود را نشان دهد. در زبان فارسی از اصطلاح قدرت نمایی استفاده میشود. بنابراین این مفهوم با حوزهٔ هنر بازنمایی ارتباط می یابد. شخص قدرت خود را بازنمایی کرده و لازم است دیگر افراد آن قدرت را بازشناسی کنند که این رابطهٔ قدرت شکل گیرد در غیراین صورت، اگر بازنمایی و بازشناسی نشود، قدرت به وجود نمی آید.بنابراین از هنر به عنوان ابزاری برای بازنمایی قدرت استفاده میشود.(افشار و کشفی، ۱۴۰۰)

گزاره های گفتمان دینی تشیع شامل صیانت از اصول و ارزشهای اسلامی، تعالی و ایجاد تداوم و پیوستگی با فرهنگ دینی می شد .گفتمان دینی با مرکزیت تشیع توانست گزاره های گفتمان ملی گرایی که شامل ارتقای باورها و آرمانها، احیای اصالت و هویت ایرانی بود تحت تأثیر و بسیاری از نمادها و نشانه های رایج در هنر را تحت لوای خود قرار دهد البته این به معنای حذف هویت ملی و جانشینی بی قید و بند گفتمان دین نیست بلکه به یاری این دو، گزاره هایی همچون رعایت اصول

www.SID.ir

Archive of SID

نظم، یکدستی برای رسیدن به کمال صوری و زیبایی آرمانی یا جمال هنری، مفاهیم منطبق با ایدئولوژی حاکمیت و قدرت را تشکیل میدادند که موجب ایجاد حس ابدیت گرایی و سلطه طلبی در این آثار میشد که مد نظر قدرت بود.

فال

فال تلاش انسان است در غلبه بر زمان و درک احوال و وقایع آینده ، با این غایت که آینده تسخیر شود و انسان بر آن سلطه یابد . لاجرم ، بیش از آنکه تاثیر تکوینی در طبیعت و عالم داشته باشد نوعی جریان امید و بیم است در روان انسان .(مهدی زاده،۱۳۹۹) فالنامه ها در واقع مجموعه ای از نوشتارها _خواه به نظم یا نثر _یا عناصری بصری هستندکه، از محتوای آنها یا بر اساس تاویل آن محتوا، فردی که فال گرفته است بر خوب و بد بودن یا مبارکی و نحوست نیت خویش آگاهی می یابد (پوراکبر،۱۳۹۶).در خصوص زادگاه اصلی فال اتفاق نظر خاصی نیست. از کهن ترین نمونه های فال بینی شهر "سیپار" بود که شمس را به خاطر هنر غیب گویی و فال بینی می ستودند. (قدیانی،۱۳۸۷). درزمان گذشته بسیاری معتقد به نیروهای ماوراءالطبیعه بوده اند و آنها را در تعیین سرنوشت و آینده خود مؤثر میدانستند، این اعتقاد نه فقط در قشر محروم و بیسواد بلکه بین طبقه حاکم و اشراف که امور حکومتی و ادارهٔ کشور را به عهده داشتند؛ رواج داشت. باگذشت زمان، تأثیر اوضاع کواکب بر زندگی حال و آینده، به باور اجتماعی تبدیل شد. این باور در کنار عواملی دیگردر ایران سبب شکل گیری گونه ایی از آثار تحت عنوان فالنامه ها شده است.. عواملی همچون رسمی شدن تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور توسط شاه اسماعیل صفوی و سپس تغییرات شخصیتی شاه طهماسب سبب شد توجه شاه طهماسب از نگارگری سلب و مسلمانی با اخلاص شود. او که تا حدود ۹۳۷ با هر چیز سکرآوری مخالفت می کرد ، تا ۹۴۶ از نقاشی و خوشنویسی نیز زده شد. در سال ۹۶۳ با صدور فرمان تائبین بری از گناه، که رواج هر نوع هنر غیر روحانی را در سرتا سر قلمرو منع می کرد، بی تفاوتی شاه تبدیل به نفرت شد (کنبای،۱۳۹۱) هرچند در این سال ها هنر نگارگری هیچ گاه حذف یا متوقف نشد اما گاه سمت و سویی متفاوت در به تصویرکشیدن موضوعات داشت و فالنامه ها ی دارای نگاره سبب تداوم هنر نگارگری اما بیشتر با موضوعاتی دینی شد.

گفتمان حاکم در دوره ی صفوی

رواج فرهنگ دینی تشیع

صفویان با رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه، دوره جدیدی را در تاریخ ایران پدید آوردند به دیگر بیان؛ تفاوت عمده ملی گرایی صفوی با دوره پیش از آن، در نقشی بود که این بار 'مذهب شیعه' در هویت جدید بر عهده داشت. مذهب جدید با وفاداری صوفیان شیعی، گفتمانی را در ایران شکل دادند که سه عامل تأسیس گفتمان یعنی 'قدرت، دانش و مشروعیت' را بومی ساخته بود.(فیرحی، ۱۳۸۴)در این میان فالنامه های مصور بیانی خلاقانه بودند از روند شیعی سازی و ایرانی سازی امپراطوری صفویه. شاه اسماعیل (۹۰۷ه.ق/۱۵۰۱ م) تشیع را مذهب رسمی امپراطوری تازه بنیاد خویش اعلان کرد. او همچنین

www.SID.ir

Archive of SID

از فقهای عرب شیعه ساکن در جبل عامل که در آن روزگار در قلمرو عثمانی واقع شده بود دعوت کرد تا به ایران بیایند (همان). صفویه برای جنگ با عثمانی به یک نوع تشیع ایرانی نیازمند بود، عثمانی نیز، برای جنگ با صفویه به یک نوع تسنن ترکی تکیه می کرد. این بود که تشیع صفوی (که نه تنها هیچ وجه اشتراکی با تسنن نداشت بلکه در قبال آن به وجود آمده بود) با ملیت ایرانی یک نهضت تازه و نیرومند بوجود آورد و این دو قدرت در این نهضت چنان در هم جوش خوردند که قابل انفکاک نبودند و چنان با هم ترکیب یافتند که یک تشیع ملی یا ملیت شیعی به وجود آمد (شریعتی،،۱۳۵۰). تشیع ملی تاثیر بسزایی بر فرهنگ و هنر ایران نهاد و می توان مبانی و عناصر شیعی را در کنار احیای ارزش های باستانی همچون فره ایزدی در هنر ایران مشاهده کرد . فرمانروایان صفوی به منظور تبلیغ تشیع نیازمند ابزارهایی برای فراگیر شدن آن بودند که در این میان کارکرد هنر به عنوان رسانه ای قدرتمند بارز بود و حاصل آن خلق آثاری بینظیر در زمینه های مختلف معماری، صنایع دستی و نگارگری با مضامین شیعی است. نگارگران به تبع شرایط مذهبی ، فکری و سیاسی هر دوره و اهداف مورد نظر حامیان ، به گزینش این گونه مضامین مبادرت ورزیدند و آن هارا به شیوه های متفاوت (از واقع گرایانه تا نمادین) و بر مبنای باورها و روایت های گوناگون (شیعه و سنی) به تصویر درآورده اند.(مهدی زاده، ۱۳۹۹) نگارگری فالنامه های صفوی در دوره ی تشدید گرایش های مذهبی و شیعی در نزد شاه طهماسب تولید شده است.اگرچه با حکومت شاه اسماعیل تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران علام شد، این تشیع با آنچه مد نظر فقها بود تفاوت های ماهوی بسیاری داشت. با توجه به زمینه ی برآمدن شاه اسماعیل و وابستگی اش به تشکیلات صوفیان و ادعاهای او به عنوان مرشد کامل، گرایش شیعی او و طرفدارانش در آغاز به شدت تحت نفوذ اندیشه های غالیانه بود، اندیشه ای که به دلایل مختلف از نظر فقها مردود دانسته می شد و هیچ اعتباری برای آن قائل نبودند. در مقابل، دوره ی شاه طهماسب به دوره ی غلبه ی اندیشه ی شریعتی–فقاهتی در مقابل گرایش صوفیانه بدل گشت. شاه طهماسب با عملکرد خود و پیگیری ساست های مذهبی و فرمان هایی که در مورد اختیارات فقها صادر نمودف نقش به سزایی در ساخت، شکل دهی و سازمان یابی نهاد دینی شیعه ایفا کرد.

همانطور که پیشتر ذکر شد فالنامه های مصور در این دوره نیز از نمونه های بارز این نگارگری مذهبی و ملی است. روایت های بصری همچون دابه الارض، کشتن مره بن قیس توسط حضرت علی، تصاویر و داستان های مرتبط با امامان به ویژه علی (ع) در فالنامه های مصور نشان از تاثیر پذیری هنر نگارگری از شیعی سازی کشور بوده است. هر چند که روایت دابه الارض هم در روایت های تشیع و هم تسنن موجود بوده است و اصلا تصویرنگاری آن ابتدا در متون عثمانی صورت گرفته و سپس به سنت فالنامه نگاری صفوی وارد شده است، اما این نکته حائز اهمیت است که فالنامه ها با بکارگیری روایت های مشترک میان تشیع و تسنن سعی در ایجاد مشروعیت بیشتر در میان مرزهای متغیر ایران و عثمانی داشته اند. پس روایتی همچون دابه الارض که تا پیش از دوره ی صفوی و به رسمیت شناخته شدن تشیع در فرهنگ تصویری ایران موجود نبوده است، در سنت فالنامه نگاری مصور بارها تکرار می شود. همچنین از آنجا که در برخی روایت ها ، دابه الارض با حضرت علی یا حضرت

www.SID.ir

Archive of SID

مهدی یکی دانسته شده است پس می توان چنین نتیجه گرفت که سفارش دهندگان فالنامه های مصور از هیچ روایتی که مرتبط با حضرت علی بوده است برای مشروعیت بخشی به صفویان دریغ نکرده اند. وجود روایت های مرتبط با حضرت علی (ع) ، ارادت و سرسپردگی ویژه ی شاه طهماسب به حضرت علی (ع) و ارتباط با او از طریق رویا سبب شده است تا علی (ع) در این فالنامه ها نقش محوری را ایفا کند . انچه شاه طهماسب بدان باور داشت یا می خواست نسل های آینده باور داشته باشند این بود که نظم و امنیت و عدالت به برکت ارادت او به علی (ع) به مملکت صفوی ارزانی شده بود (کریمی، ۱۳۹۶).

باور هزاره گرایی

موعودگرایی یکی از مضامین مهم تاریخ نگاری ایرانی از جمله تاریخ نگاری صفوی است. بازتاب اندیشه های اسطوره ای موعودگرایانه همچون نجات بخشی، فرجام شناسی، آخرالزمان و هزاره گرایی در این گونه ی ادبی گویای رواج این آموزه ها در جامعه ی معاصر با این تاریخ نگاشته هاست و ریشه ی دیرپای آن را می توان تا قدیمی ترین ادوار تاریخ بشریت پیگیری کرد. در مورد خاستگاه های این اندیشه و نیز پیامدهای آن، گمانه ها و نظریات بسیاری ابراز شده است، اما به نظر می رسد امید بشر به تحقق آرمان های دور و دراز و نیز وجود موانع متعدد بر سر راه عملی ساختن این ایده ها مهم ترین دلیل پیدایش و رشد اندیشه ی موعودگرایی در طول قرون و اعصار بوده است.یکی از اجزای مهم در این پیکره ی اندیشه ایی "هزاره گرایی" است (کریمی،۱۳۹۶). هزاره گرایی موجود در دوره ی صفویه بطور مشخص و ملموس خود را در منظومه ی فکری نحله ای باز می نماید که به "نقطویه " معروف اند و در این روزگار با تمسک به اندیشه ی هزاره باوری می کوشند تا زمینه ای از امید به رهایی بیافرینند. زمینه ای که از دریچه ی نگاه آنان بشارت دهنده ی عصر طلایی شکوهمندی است که از آن به بهشت نخستین یا سرزمین موعود نیز می توان تعبیر کرد (خلیلی و فرهانی۱۳۸۷) نکته ی مهم در بحث هزاره گرایی و فرجام شناسی این است که این باور فقط مختص یه دین اسلام نبوده است و از این جهت این باور فقط، امری مذهبی نیستند و ریشه در اسطوره های کهن کیهانی دارند. در دین زرتشتی مفاهیم مرتبط با اندیشه ی هزاره گرایی را می توان یافت. پس باید اذعان داشت گسترش تشیع در دوره ی صفوی و باور به آمدن منجی شاید سبب قوت یافتن این باورها شده باشد اما منشا آن نبوده است. به نظر می رسد شیوه ی صفویان به حکومت داری که مجموعه ایی پیچیده از باورهای مذهبی و ملی و میهنی بوده است تاثیری به سزا بر انتخاب روایت های بصری مرتبط با بحث هزاره گرایی در فالنامه های مصور این دوره داشته است و نمود آن را در تمامی فالنامه ها و به ویژه در فالنامه ی فارسی توپقاپی می توان مشاهده کرد اما نکته ی حائز اهمیت آن است که اگرچه این باور در ابتدا در صفویان مشاهده شد اما رفته رفته شاه طهماسب سعی در کنار گذاشتن آن داشت. بطور مثال می توان به فالنامه ی درسدن اشاره کرد که دارای اشارات کمتری به این موضوع است اما فالنامه ی توپقاپی که در خارج از کارگاه دربار شکل گرفته است و به نوعی از دل باورهای عامه ی مردم آمده بود همچنان متاثر از باور هزاره گرایی و آمدن منجی بوده است که شاه اسماعیل حکومت اش را بر اساس آن بنا نهاده بود و در این میان ، وی خود را همان منجی موعود معرفی کرده بود.

www.SID.ir

Archive of SID

پس فالنامه های مصور(به ویژه فالنامه ی فارسی توپقاپی) را می توان یکی از جلوه های تاریخ هزاره گرایانه ای دانست که صفویان از طریق آن جایگاه خویش را تضمین کردند. تصاویر شوم فالنامه ها از دوره ی آخرالزمانی دلیلی است قانع کننده بر تاثیر و تاثر همزمان اشعار شاه اسماعیل و هراس مردم از صیحه ی قریب الوقوع صور اصرافیل که نابودی زمین و آتش سوزان جهنم را خبر می داد (کریمی، ۱۳۹۶).

در تمامی نسخه ها فالنامه های مصور صفوی با نگاره هایی که از روایت های مرتبط با پایان جهان و امدن منجی است مواجه می شویم .نگاره هایی از حضرت مهدی (عج) و یا دابه الارض که از روایت های آخرالزمانی موجود در باور های دینی است در این نسخه ها به چشم می خورد. . تعاریف و روایات متفاوتی درباره ی دابه الارض وجود دارد. در برخی منابع دابه الارض انسانی است از اولیای الهی که خاتم سلیمان (ع) و عصای موسی (ع) را بر عهده دارد. از کارهای او جدا ساختن مسلمین از کافران و علامت گذاری آنهاست. در آیه ۸۲ از سوره ی نمل آمده است: وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كانُوا بِآياتِنا لا يُوقِنُونَ(82) و چون فرمان عذاب آنها رسد جنبنده ای را از زمین برای آنها بیرون آریم تا با آنها تکلم کند و بگوید که این مردم آیه های ما را باور نمیکرده اند. این گروه به دو دسته تقسیم می شوند: گروهی معتقدند این شخص حضرت علی (ع) می باشد. بنابر روایاتی که به آن استناد می کنند و برخی دیگر دابه الارض را با امام زمان (عج) تطبیق داده اند (جعفری، ۱۳۹۵).

با نگاه به عناصر تصویری موجود در نگاره دابه الارض در فالنامه ها(تصویر ۱ و ۲)، عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان، همانطور که در برخی از روایت های موجود درباره دابه الارض عنوان شده است، به چشم می خورد و همچنین به نظر می رسد برخی از ویژگی های ظاهری ترسیم شده با روایت های اهل سنت از دابه الارض همخوانی بیشتری دارد در این روایت ها دابه اینگونه توصیف می شود: سرش شبیه سر گاو، چشم او چون چشم خوک، گوش او مانند گوش فیل، شاخ اون چون شاخ گاو کوهی، گردن اش چون گردن شترمرغ، سینه اش چون سینه ی شیر، رنگ اش چون رنگ پلنگ، پهلویش چون پهلوی یوز، دمش چون دم قوچ، پاهایش چون پاهای شتر، مابین هر مفصلش دوازده ذراع می باشد (Harman.2015).

نکته ی جالب توجه آن است که دابه الارض از موضوعاتی است که در تمام فالنامه ها تکرار شده است و حتی در فالنامه ی توپقاپی(تصویر۲) ۲ نگاره از این روایت موجود است . استفاده از دو نگاره از دابه الارض و همچنین خوب بودن این فال در فالنامه توپقاپی در مقایسه با فالنامه ای همچون فالنامه ی درسدن(تصویر۱) که در آن فال دابه الارض فال بدی می باشد نکته ی جالب توجهی است. در فالنامه ی فارسی توپقاپی توجه بیشتری به بحث پایان هزاره و آمدن منجی شده است و این مورد را می توان از وجود ۲ نگاره از دابه الارض که نشانه ای آخرالزمانی است در کنار نگاره هایی درباره ی حضرت مهدی به عنوان منجی اثبات کرد، که در مقایسه با فالنامه ی درسدن که فقط یک نگاره از دابه الارض دارد و هیچ نگاره ایی درباره ی

www.SID.ir

Archive of SID

حضرت مهدی در آن موجود نیست، جالب توجه است و می توان علل آن را در تفکر و باور شاه طهماسب صفوی جستجو کرد زیرا شاه طهماسب رفته رفته مواضع خود را نسبت به باورهای هزاره گرایی تغییر داد. در حالی که شاه اسماعیل پدر شاه طهماسب خود را منجی ،خدا و علی (ع) می خواند، شاه طهماسب تنها به هدایت از سوی علی(ع) که ولی الله بود اکتفا کرد (کریمی، ۱۳۹۶). او همچنین دست از آرمان های هزاره گرایانه ی پدرش برداشت و قاطعانه در مسیر اسلامی کردن جهان ایرانی گام نهاد. همین اعمال متشرعانه بود که عصر پسا هزاره ی ایران را آغاز کرد، دوره ای که دیگر پادشاه در آن نیازی به فالنامه احساس نمی کرد (همان).

ن،
Sac
Ε.
445, vr. 27b

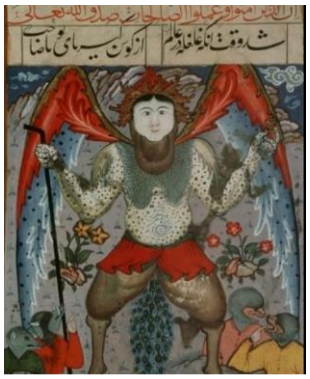

تصویر۲: دابه الارض، فالنامه موزه توپقاپی،
Topkapı Sarayı Müzesi, H. 1702,
vr. 47b

کیهان باوری :

پیشینیان، افلاک را در آفرینش، رشد و سرانجام، مرگ آدمی و نیز تیره بختی و خو شبختی و هرآنچه به او مربوط میشد، مؤثر میدانستند . آنچه بیشتر برای پیشینیان جالب بود، آن قسمت از علم ستاره شناسی است که به استخراج احکام و تأثیر آن در سرنوشت آدمیان مربوط است و به آن" تنجیم"یا «علم احکام نجوم » گفتند و آن، با علم نجوم که علمی است که در آن حرکات ستارگان بررسی میشود و برای تقویم و گاهشماری به کار میرود، تفاوت دارد (حلبی،۱۳۷۸) ایرانیان در ادوار مختلف تاریخ به افلاک توجه خاصی نشان دادند و می توان نشانه های کیهان باوری را در آیین هایی همچون مهرپرستی، زروانیسم و آیین زرتشتی و مانوی مشاهده کرد. تنجیم در معنای اختربینی یا پیشگویی حوادث آینده بر اساس مواضع اجرام سماوی، در دنیای قدیم و علی الخصوص در دربارهای ایرانی امری رایج به شمار می رفت و پادشاهان ایران از جمله در دوره ی صفویه برای انجام دادن امور ریز و درشت خویش از منجم دربار مشورت می طلبیدند (کریمی،۱۳۹۶). کیهان شناسی در معنای فهم جهان پیرامون در زمینه حرکت اجرام سماوی، یکی از مولفه های تاریخ نگاری به صورت عمومی و

www.SID.ir

Archive of SID

تاریخ نگاری ایرانی و صفوی به شکل اخص آن است (همان:۷۶). طالع بینی و تفسیر سعد و نحس ستارگان در رویدادها و حوادث زندگی، تنها منحصر به پادشاهان و اشخاص مهم جامعه باقی نماند و به زندگی مردم عادی هم کشیده شد. طالع بین ها برای مردم آنچه را که در اصطلاح "طالع نما " نامیده می شد تهیه می کردند و به پیشگویی و تفسیر زندگی آنان می پرداختند. طالع بینی نجومی در سال های ۱۴۰۰ تا ۱۶۵۰ میلادی در اروپا شکوفایی زیادی به خود دید ولی دانش و علوم جدید، خیلی سریع ستاره باوری را از میان مردم راند (ثابت کار ، ۱۳۹۰). اما در ایران و در دوره ی صفوی حاکمان و مردم بی توجه به ماهیت علمی نجوم در این دوره به صورت افراطی تر نسبت به دوره های پیشین از خود به خرافه پرستی و تنجیم و طالع بینی روی آورده بودند (گیاهی یزدی ، ۱۳۹۵).در بحث مرتبط با تنجیم ما با زمان کیهانی سر و کار داریم زمان کیهانی فراتر از زمان تقویمی متعارف که در آن آغاز و پایان سال و ماه و نیز روشن ساختن زمان مراسم و مواسم اهمیت داشت، منجمان به دنبال یافتن طوالع سعد و نحس و نیز پیشگویی حوادث بر اساس وضعیت و حرکت اجرام سماوی بودند. مباحث مربوط به فرجام شناسی یا آخرالزمان نیز در این زمینه معنا می یابند (کریمی،۱۳۹۶).

در تمامی نسخه های فالنامه های مصور صفوی چندین نگاره با مضامین تنجیم به چشم می خورد. بیشرین نگاره های تنجیمی متعلق به فالنامه ی توپقاپی است و کمترین نگاره های تنجیمی متعلق به فالنامه ی درسدن و پراکنده است که به شاه طهماسب منتسب هستند. در فالنامه درسدن، نگاره مریخ و نگاره ی عطارد با مضمون تنجیم موجود است. سیاره مریخ در فرهنگ ایران پیش از اسلام با ایزد ورثرغنه اوستایی (ایزد جنگ و پیروزی) پیوند یافته است. یشت چهاردهم اوستا به ستایش و بیان خصوصیات این ایزد اختصاص یافته است. علاوه بر این دردوره میانه نیز، نام بهرام به سیاره مریخ در نظام اخترشناسی اطلاق شده است(امیری، ۱۳۹۹). در اشعار فارسی نیز از خشم و سلحشوری مریخ سخن ها گفته شده و عناوین فراوانی چون حیدر رزمفلک، مریخ خون آلود ومریخ سلحشور به وی داده اند (مصفی ۱۳۵۷). این ستاره در تصورات ایرانی، یونیان و روم ایزدخدای جنگ بوده، به همین علت منجمان احکامی مریخ را کوکب لشکریان و امراء ظالم، دزدان و مفسدان شمرده اند (همان).در کتاب "الاتفهیم لاوائل الصناعه التنجیم" نوشته ی ابوریحان بیرونی نیز توصیفی از مریخ-بهرام وجود دارد. بیرونی صورت مریخ را " جوانی بر دو شیر بر نشسته و به دست راست شمشیر آخته و به دیگر دست تبرزین و دیگر صورتش بر اسب گلگون و بر سر خود و به دست چپ نیزه برو و رکوئی سرخ بسته و به دست راست سر مردم و جامه اش سرخ " توصیف کرده است.

خصوصیات جنگاوری در نگاره مریخ(تصویر ۳) مشهود است. همچنین حضور رنگ زرد و سرخ، که همگی دلالت بر تصویر و هیبت مریخ می کنند. عناصر نشان دهنده ی جنگاوری نیز به وضوح قابل تشخیص هستند :سر بریده، شمشیر گرز (پوراکبر،۱۳۹۶) . بطور کلی این عناصر بصورت قراردادی در نگاره های مرتبط با مریخ در فرهنگ تصویری ایران وجود دارند که تماما بر اساس آنچه در شهر و ادب ایران بوده است شکل گرفته اند. این توصیفات به وضوح بیانگر تأکید بر جنگجویی،

www.SID.ir

Archive of SID

خشم و قدرتِ مریخ است. در عجایب المخلوقات قزوینی نیز با تأکید بر همین وجوه، مریخ اینگونه توصیف شده است: قامت رشیدی و بلندی دارد. موهایی موجدار، کلاهخود نوک تیز، نیزه و سپر در دست و زره بر تن، با پاهایی گشوده، منجنیق کشیده و آماده در کنار بدنش و تیردانی پر از تیر، با خشونت تمام به زحل نگاه می کند(رضازاده،۱۳۹۷). در نگاره ی فالنامه ی توپقاپی(شکل۳)، مریخ همچون سایر تصویرنگاری های مریخ لباس سرخ بر تن دارد که نشان از جنگاوری و خونریز بودن مریخ دارد. عناصری همچون شمشیر،آتشدان، سر بریده، تاج-کلاه و عقرب نیز مانند فالنامه ی درسدن به چشم می خورد.

مریخ در فالنامه ها دارای ۵ دست است. ۵ دست بودن آن به این علت است که در بحث کارکرد تنجیم در پیشگوئی، اجرام فلکی، شامل ۷ سیاره اصلی می باشد و مریخ پنجمین سیاره در این مجموعه است (یا می توان گفت در آسمان پنجم قرار دارد) که این مساله با به تصویر کشیدن ۵ دست برای مریخ نشان داده شده است. که در هریک از دست ها شمشیر ، سر بریده ، آتشدان، کلاه (تاج-کلاه) وعقرب قرار گرفته است. شمشیر و سر بریده از ابتدا عناصر اصلی در تصویرگری های مریخ بوده اند که بر جنگجویی و خشم مریخ دلالت دارد و در طی دوران، عناصر دیگری به آن ها گاه اضافه و یا گاه جایگزین شده اند عناصری همچون عقرب و آتـشدان و کلاه. که در اینجا ما تمام این عناصر را کنار هم مشاهده می کنیم. برای درک چرایی عنصر آتشدان باید به متون پیش از اسلام توجه کنیم چرا که در این متون سیاره ی مریخ همبسته با ایزد بهرام تلقی می شده است. از طرفی دیگر، این متون دربردارنده ی دلالت های متعددی از ارتباط میان ایزد بهرام و آتش مقدس است. آتش بهرام مهم ترین آتش دین زرتشتی است. در نوشته های پهلوی از ارجمندی آن سخن بسیار رفته است و آن را مظهر جسمانی سه آذر بزرگ ایران باستان، آذرگشنسب، آذر فرن بغ، آذر برزین مهر و نیز پشتیبان همه ی آذرهای روی زمین برشمرده اند (عفیفی ، ۱۳۸۳). عنصر عقرب نیز به بحث خانه باز می گردد. خانه ی مریخ در منطقه البروج دو برج عقرب و حمل است. در منطقه البروج ۱۲ خانه وجود دارد که میان ۷ سیاره تقسیم شده است. عنصر عقرب در فالنامه در دستان او قرار دارد و مریخ مثلا در فالنامه ی درسدن(تصویر۴) نیز بر روی حیوانی چون قوچ (اشاره به برج حمل) نسشته است. صورت دیگری از بازنمایی مریخ همراه با برج حمل است. او که در این حالت سوار بر بره ای است، دارای قدرت خوب و بد است اما در این حالت بیشتر گرایش به شر دارد. (Ritter & Plessner,1962) برای درک چرایی حضور عنصر کلاه لازم است تا به نگارگری زحل که نحس اکبر است رجوع کنیم زیرا در نگارگری های رایج از این سیاره عنصر تاج-کلاه در یکی از دستان زحل نیز مشاهده می شود و به نظر می رسد قدمت تصویرنگاری این عنصر در نگارگری های مرتبط با سیاره زحل بیشتر از سیاره ی مریخ است و احتمالا تاج – کلاه بعدا در تصویرسازی نگاره های مریخ اضافه شده است. در نگارگری سیاره زحل در نسخه ی مصور کتاب الموالید ابومعشر، زنی روبه روی او نقش شده و سازی در دست دارد که ناهید است ،شرف زهره در ثور است. بنابر عنوان تصویر " من البروج الثور و الزهره من نظر زحل ، چنین ترکیبی به زعم سعد بودن زهره، چون

www.SID.ir

Archive of SID

در ارتباط با زحل قرار می گیرد که نحس اکبر است قدرت در دست زحل قرار می گیرد که به صورت نماد تاج در دست گرفتن و سوار بر ثور شدن نمایش داده می شود (صرامی و مختاریان ، ۱۳۹۵) و احتمالا عنصر تاج- کلاه با همین معنا یعنی در دست داشتن قدرت در نگاره ی مریخ نیز به کار گرفته شده است.

فال مریخ در هر نسخه با توجه به برگه ی فال آنها، فال بدی است زیرا مریخ را کوکبی نحس پنداشته است و اهل سلاح و تیغ را به مریخ منسوب دانسته است. مثلا در برگه ی فال مریخ در فالنامه ی درسدن به صاحب فال ذکر شده است در هربابی که روی نهی در کارت بستگی واقع شود و عنوان می دارد که به صاحب فال غمی خواهد رسید و برای سفر یا ازدواج باید صبر کند و زنی بدرنگ و آبله روی، کوتاه بالا با صاحب فال دشمنی خواهد کرد و از شر او ایمن نخواهد بود.

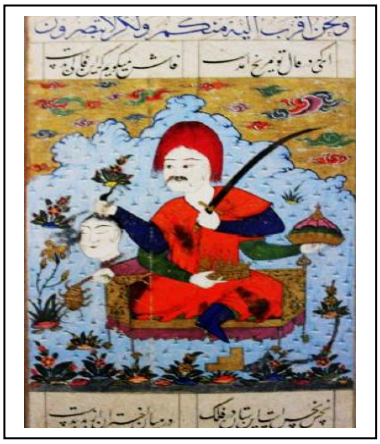

تصویر۳: مریخ، فالنامه توپقاپی، حدودا ۹۸۰-۹۹۰
Tsm.H.1702.f.47b

تصویر۴: مریخ ، فالنامه ی درسدن ، حدودا ۹۸۰-۹۹۰
پوراکبر، ۱۳۹۶ : ۸۸

باورها و قصه های عامیانه

هر فال در فالنامه های مصور یک مفهوم یا شخصیت یا داستان را بیان می کند. این عناصر از بافت های مختلف فرهنگ عامه اتخاذ شده اند و طیف گسترده ای را شامل می شود، از مفهومی چون عقل تا شخصیت ها و عناصر نجومی (همچون مریخ, عطارد و ...) و شخصیت ها و مفاهیم دینی (چون دابه الارض , روز قیامت, ابلیس , عوج بن عنق و ...) و پیامبران و بزرگان دین اسلام به ویزه مذهب شیعه و شخصیت های داستانی (مثل خسرو , ضحاک, لقمان و ....) (پوراکبر، ۱۳۹۶).

در لغت نامه به نقل از منتهی الارب و آنندراج و غیاث اللغات آمده است که عوج نام فردی است طویل القامت که در منزل آدم متولد شد و تا زمان موسی زیست و سه هزار و پانصد سال بزیست (دهخدا ۱۳۷۷ ذیل عوج). داستان عوج بن عنق در اصل از داستان های سامی گرفته شده است و برای ریشه شناسی این داستان باید به قدیمی ترین متون بازمانده از عهد کهن که

www.SID.ir

Archive of SID

مربوط به این اقوام است یعنی کتاب مقدس اشاره کرد. در کتاب مقدس این واژه به شکل "اوگ "تلفظ شده است. عوج، مَلِک باشان است. پادشاهی با هیبت و بلند بالا و از فرزندان رفائیان بود و بنی اسرائیل را از ورود به مرزهای خود منع کرد. در جنگی خونین که در ادرعی واقع شد، شکست یافت وکشته شد. همچنین در برخی متون تفسیری کهن فارسی از قرآن نیز درباره عوج اینچنین بیان شده است خداوند ه عزّو جلّ بفرمود موسی را با جمله ی بنیِ اسرائیل به جنگ رفتن جبّاران (...) و این جبّاران قومانی بودند که از عادیان بازمانده بودند و چنین گویند که بالای ایشان بیست گز و سی گز بود و ایشان را مهتری بود نام او عوج بن عنق. به بالا ازیشان درازتر بود و به قوّت ازایشان قویتر بود و این عوج از کَسهای شدّادبن عاد بود و از بزرگان جبّاران بود، و از بزرگی و بلندی چنان بود که ابر چون درگرفتی، یک نیمه ی او بالاء ابر بودی، و ابر تا زیر ناف او بودی. و به بلندی چنان بود که دریاها تاساق او بودی و دست به دریا فرو کردی وماهی از قعر دریا برآوردی و به چشمهی خورشید داشتی و بریان کردی و بخوردی« .تقریباً در همه ی متون اسلامی که به گونه ای از عوج بن عنق یاد شده، کشنده ی اوموسی (ع) دانسته شده است اما در منظومه ی حماسی سام نامه که به خواجوی کرمانی،شاعر سده ی هشتم، منسوب است، سام نریمان است که با عادیان و عوج بن عنق میجنگد (افشاری، ۱۳۸۷). نکته حائز اهمیت آن است که بسیاری از محققیق معتقدند در متون تفسیری از قرآن گاه برخی از داستان های افسانه ای و غیر قابل باور درباره ی آغاز آفرینش و پیامبران توسط یهود و نصارا وارد شده است که تحت عنوان اسرائیلیات از آن نام برده شده است. افرادی همچون آلوسی در تفسیر خود، پس از نقل روایاتی درباره عوج بن عنق از تفسیرطبری و تفسیر ابن ابی حاتم، می‌گوید: این روایت و امثال آن، قصه‌هایی است که مفسران ذکر کرده‌اند، ولی صاحبان‌خرد نمی‌توانند آن را بپذیرند (آلوسی:۳۴)مضامینی همچون عوج بن عنق را بایستی در پیوند با فضای پر رونق قصه گویی و نقالی دوران (به ویژه در صفویه) ارزیابی کرد دوره ای که قصه گویی آن هم با غلبه ی مضامین مذهبی و شیعی در عرصه ی ادبیات زمانه و به خصوص در صحنه ی زندگی مردم حضوری پررنگ و پرشور داشت (مهدی زاده ، ۱۳۹۹). در حقیقت قصه های عامیانه ریشه در اعتقادات، باورها، ارزش ها، دانش ها و نیازهای یک جامعه دارند و اعتبار خود را از همین مساله به دست می اورند. این نوع از ادبیات و قصه ها که تعلق به عوام و توده ی مردم دارند ساده و بی پیرایه اند و نظرگاه اجتماعی و جهان بینی توده ی مردم را نمایندگی می کنند (همان). در باورهای عامیانه، جهان هستی آکنده از جنیان و دیگر انواع موجودات شر (غولان، عفاریت و شیاطین) است که بیشتر آن ها زیانکار و از این رو برای انسان خطرآفرین اند (پاتای،۱۳۸۹). موجودات و دیوان در تخیل مردم ایران به منزله ی دشمن قهرمانان نیک از جایگاه خاصی برخوردارند. اصولا نبرد با دیوها یکی از ویژگی های قهرمانان قصه های عامیانه ی ایراتی است که با شخصیت های مذهبی برای بالا بردن مقام و قدرت آن ها در امیخته شده است. (مهدی زاده . ۱۳۹۹) داستان عوج بن عنق نیز همانطور که پیشتر ذکر شد از جمله قصه های افسانه ای است که توسط یهودیت وارد ایران شد و با خلط با داستان های ایرانی یعنی سام نریمان رواج یافت. در بیشتر فالنامه های مصور روایت جنگیدن حضرت موسی با عوج موجود است و نشان دهنده ی رواج و اهمیت این داستان افسانه ای

www.SID.ir

Archive of SID

عامیانه در دوره ی صفوی می باشد که نمایانگر پیروزی صفویان شیعه در برابر دشمنانشان است. صفویان در فالنامه های مصور و با روایت های پیروزی امامان و پیامبران در برابر دشمنان مختلفی که گاه انسان و گاه موجوداتی فراطبیعی هستند بارها و بارها، قدرت خویش را در جنگ با دشمنان و پیروزی در برابر انها به تصویر کشیده اند. چهره ی عوج و حضرت موسی نیز در هر نگاره (تصویر ۵و۶)چهره ی رایج در نگارگری دوره ی صفوی است. عوج در نگاره ی درسدن(تصویر۶) در برابر حضرت موسی که با عصای خود به پای او ضربه زده است زانو زده است اما در نگاره ی فالنامه ی توپقاپی(تصویر۵) او در برابر حضرت موسی ایستاده است. نکته ی جالب توجه درباره ی تصویرنگاری عوج بن عنق در فالنامه ی توپقاپی آن است که بر خلاف سایر تصویرنگاری ها از عوج که سعی شده است قامت بسیار بلند و جثه ی بسیار بزرگ او در مقایسه با بدن حضرت موسی (با توجه به روایت های اغراق آمیز از این موجود) نشان داده شود اما در فالنامه ی مذکور عوج تنها کمی از حضرت موسی بلندتر و عظیم تر است. احتمال می رود که این امر به جهت تصویرسازی عوج نه به عنوان موجودی افسانه ایی بلکه به عنوان دشمنی واقعی که تنها کمی قوی تر و بلندقامت تر از حضرت موسی است در نظر گرفته شده باشد که البته این مسئله در فالنامه ی درسدن مورد نظر نبوده است. در فالنامه ی توپقاپی بخشی از آیه ۵۳ سوره ی اسرا بیان شده است: « ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا» یعنی شیطان برای انسان دشمنی آشکار است. این آیه با توجه به آنکه عوج بن عنق در دشمنی اشکار با پیامبرانی همچون حضرت نوح و حضرت موسی بوده است، برای مشروعیت بیشتر بخشیدن به این فال در برگه نگاره گنجانده شده است. همچنین ۴ بیت شعر در حاشیه ی نگاره مرتبط با حضرت علی و عصای حضرت موسی و ید بیضای او بیان شده است. نکته ی جالب توجه آن است که با وجود آنکه نگاره به روایت عوج بن عنق و حضرت موسی اشاره دارد اما مرکزیت شعر حول محور حضرت علی (ع)می باشد و این در حالیست که در فالنامه ی درسدن و البته در برگه ی فال چند بیت شعر از بوستان سعدی باب دوم نقل شده است که با محوریت موضوع بخشایش و احسان و با تاکید بر پیامبر(ص) بیان شده است. این نکته حائز اهمیت است که فالنامه ی توپقاپی به علت ارجاعات پی در پی به حضرت علی قابل توجه است. ارجاعاتی که به سختی با موضوع نگاره مرتبط می شود و به نظر می رسد نویسنده ی فال ها از هر فرصتی برای تاکید بر برتری تشیع و حضرت علی و عترت او تاکید داشته است این تاکیدات همچنین سبب وحدت و یکپارچگی موضوعی در متن فالنامه ی توپقاپی شده است که در سایر فالنامه ها غایب است (Farhad & Bagci. 2009).

با بررسی این روایت تصویری در فالنامه ی درسدن و فالنامه ی فارسی موزه توپقاپی می توان بیان کرد که با توجه به برگه ی فال مرتبط با این روایت تصویری که فالی خوب است واضح است که نتیجه ی فال ها کاملا با مضامین روایت ها مطابقت دارد. عوج بن عنق به عنوان کافری که در برابر پیامبرانی چون حضرت نوح و موسی ایستاده است در جنگ با حضرت موسی مغلوب می شود و این پیروزی از طرف حضرت موسی هرگاه در فالنامه ها ظاهر شده است فالی نیک در نظر گرفته شده است. در فالنامه ی توپقاپی به صاحب فال گفته می شود که وضعیت آشفته ات بطور ناگهانی از جهانی نامرئی (عالم غیب) به

www.SID.ir

Archive of SID

سامان خواهد شد و در نهایت پیروزی در طالع ات خواهد بود. در فالنامه ی درسدن نیز به صاحب فال گفته می شود که اگرچه دشمنانی عظیم دارد که در پی آزار او هستند اما توانایی آسیب رساندن به صاحب فال را نخواهند داشت و درهای سعادت و روشنایی بر روی او گشاده خواهد شد. در برگه ی فال فالنامه ی درسدن همچنین بیان می شود که صاحب فال باید از مردی بلند بالای قوی هیکل که در مقام عداوت با اوست برحذر باشد و دعای بازوبند با خود نگاه دارد. این ویژگی ها کاملا برگرفته ازخصوصیات عوج می باشد که در نگاره ی آن نیز به درستی تصویرسازی شده است و این مساله نشان دهنده ارتباط کامل مضامین روایت های بصری با محتوای فال ها است.

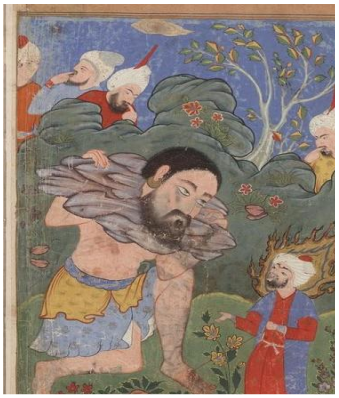

تصویر۶: موسی و عوج بن عنق، فالنامه درسدن،
پوراکبر،۱۳۹۶: ۷۸

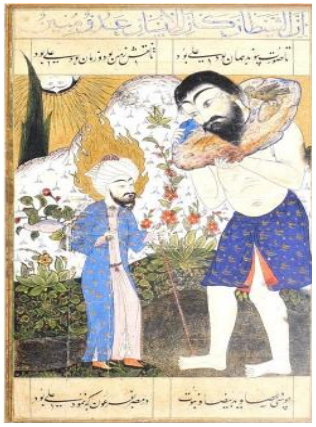

فالنامه توپقاپی، حدودا (۹۸۰۱ -۹۹۰)
Farhad.2009:36

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۷_گفتمان غالب در فالنامه های مصور صفوی

گفتمان	مثالی از نگاره های مرتبط	چگونگی تاثیر پذیری از گفتمان مرتبط
اسلام ، قرآن، تشیع	دابه الارض ،حضرت محمد ماه را به دو نیم تقسیم می کند، ، ضریح امام حسین و....	با توجه به رسمی شدن تشیع در جهت یکپارچه سازی ایران در برابر قدرت عظیم عثمانی ،باورهای شیعی و روایت های مرتبط با امامان رواج بیشتری یافت و صفویان سعی در به تصویر کشیدن این باورها در هنرهایی همچون نگارگری داشتند تا مردم را با این باورها عجین کنند و در عین حال با نمایش این روایات به دولت خود مشروعیت بیشتری ببخشند .
هزاره گرایی	دابه الارض، ورود اما مهدی(عج)،جهنم، روز قضاوت	باور به نزدیک بودن پایان هزاره، آمدن منجی دراین دوره بر اساس این باور صفویان که آن دولت آرمانی که پایان بخش تمام بدی ها و سیاهی هاست صفویان اند / در مورد دابه الارض با وجود ذکر دابه در قرآن اما باید گفت این ویژگی های تصویری از متون عثمانی و سنی مذهب به فرهنگ تصویری ایران وارد شد و بخاطر باور هزاره گرایی رایج ذر فالنامه ها بکار رفته است.
کیهان باوری	مریخ، عطارد و ...	توجه دربار در ادوار مختلف تاریخ ایران به نجوم/ کیهان شناسی در معنای فهم جهان پیرامون در زمینه حرکت اجرام سماوی، یکی از مولفه های تاریخ نگاری به صورت عمومی و تاریخ نگاری ایرانی و صفوی به شکل اخص آن است
روایت های عامیانه در تشیع، تسنن و حتی ادیان دیگر همچون یهودیت	عوج بن عنق، کشتن مره بن قیس با انگشت حضرت علی و ...	دربار با بکارگیری این روایات عمدتا سعی بر تاثیرگذاری بیشتر بر عامه ی مردم و آمادگی اذهان در جهت مشروعیت بخشی به دولت خود داشته است مثلا روایت عوج بن عنق که از روایات نامتعبر یهودیت است و سعی شده است پیروزی همیشگی صفویان شیعه در برابر دشمنانشان " را القا کند

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه گیری

پیش از این مطالعه ایی درباره ی فالنامه ها از منظر گفتمان قدرت میشل فوکو صورت نگرفته است. در مطالعات پیشین تنها به بررسی تاثیر تشیع پرداخته شده است اما در این پژوهش سعی بر آن شد تا با دیدی جامعه شناختی به بررسی تمامی لایه ها و بسترهای شکل دهنده ی روایت های بصری فالنامه ها با دقت پرداخته شود و خوانشی دقیق تر از وضعیت سیاسی، اجتماعی و دینی آن دوره به دست آید. در این پژوهش نتیجه گیری شد که گفتمان های غالب فالنامه های مصور عهد اول صفوی شامل تشیع ، هزاره گرایی،،کیهان باوری و باورها و قصه های عامیانه است. صفویان به ویژه در دوره شاه طهماسب از آنجا که حکومت خود را مرتبط با تشیع می دانستند از هیچ ابزاری در به تصویر کشیدن ارادت خود به تشیع فروگذار نمی کردند. همچنین صفویان توانستند با شیعی سازی تمام کشور با قدرت دولت عثمانی که سنی مذهب بودند مقابله و از فروپاشی ایران جلوگیری کنند پس در بسیاری از میادین از روایات و باورهای شیعی بهره می جستند که فالنامه مصور یکی از این میدان ها بود.همچنین در این فالنامه ها موضوعات تنجیمی نیز به چشم می خورد.کیهان باوری یکی از مولفه های تاریخ نگاری به صورت عمومی و تاریخ نگاری ایرانی و صفوی به شکل اخص آن است. صفویان به صورت افراطی تر نسبت به دوره های پیشین از خود به خرافه پرستی و تنجیم و طالع بینی روی آورده بودند و روایتی همچون مریخ نیز بر این اساس در فالنامه ها تکرار شده است . همچنین گاه با ورود روایاتی مواجهیم که پیش از این در فرهنگ تصویری ایران نبوده است . روایت دابه الارض که از متون عثمانی به فالنامه ها وارد شده است و با ادغام با باورهای شیعی و هزاره گرایی تقویت یافته است. باور آمدن منجی در پایان هر هزاره که در ادیان پیش از اسلام نیز وجود داشت در دوره ی صفوی تقویت یافت زیرا آنان معتقد بودند که پایان هزاره نزدیک است و صفویه همان حکومت آرمانی ای می باشد که تمام سیاهی ها و بدی هارا خواهد زدود و منجی در این عصر و از درون صفویان ظهور خواهد کرد.در مواردی نیز روایت هایی از دین یهودیت را داریم همچون روایت عامه ی عوج بن عنق که پیروزی حضرت موسی بر عوج(غولی فرا واقعی) را به تصویر می کشد و بکارگیری آن در فالنامه ها بطور ضمنی پیروزی صفویان بر دشمنان را القا می کند. این گفتمان ها تماما در راستای جهان بینی حاکمان صفوی وگاه نمایش قدرت و برتری آنان در رابطه با دشمنان صفوی (همچون دولت عثمانی) بوده است و نهایتا سبب مشروعیت بخشی بیشتر به صفویان و اعمال قدرت نه با زور بلکه با یاری از ابزاری مانند هنر نگارگری شده است .

در پایان باید اشاره کرد که فالنامه ها از ظرفیت بالایی برای شناخت هرچه بیشتر با اندیشه و جهان بینی مردم در دوره صفوی برخوردار اند و می توان در پژوهش های پیش رو با بکارگیری نظریات مختلف جامعه شناسی به درک عمیق تر از این آثار هنری دست یافت . همچنین به نظر می رسد خلأ پژوهش هایی که به مطالعه ی نگاره های این فالنامه ها از منظر زیبایی شناسی پرداخته باشد به چشم می خورد و می توان از این منظر نیز به مطالعه ی این فالنامه های مصور پرداخت.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

افشار، مهدی و کشاورز، زهرا(۱۴۰۰)، رابطه ی هنر نگارگری و سیاست،نشریه مطالعات هنرهای زیبا، دوره ی ۲، شماره ۶، زمستان ۱۴۰۰: ص۱۲۳-۱۲۷

افشاری، مهران (۱۳۸۷)، از عوج بن عنق تا گندرو دیو، نشریه پاژ، شماره ۴: ص ۱۵۷-۱۶۴

امیری، عاطفه و عبدی، ناهید و صابر، زینب (۱۳۹۹)، مطالعه استحاله آیکونوگرافیک الگوهای تصویر نگاره های مریخ-بهرام در دوره اسلامی، فصلنامه ی علمی کیمیای هنری، سال نهمف شماره ۳۴، بهار۱۳۹۹ : ص۷-۲۲

پاتای، رافائل (۱۳۸۹). اسلام عامیانه، ترجمه ابراهیم موسی پور، تهران: نشر آگه

پوراکبر، آرش (۱۳۹۶)، فالنامه شاه طهماسبی، چ ۱، تهران: نشر متن

ثابت کار، مژگان (۱۳۹۰) ، پایان نامه بررسی تصاویر صورفلکی در نگاره های ایرانی، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری دانشگاه هنر دانشکده هنرهای تجسمی

جلبی،علی اصغر(۱۳۷۸)،سی قصیده از ناصر خسرو، پیام نور، تهران.

حقیقی، شاهرخ (۱۳۷۹،)گذر از مدرنیته، تهران، آگاه

خلیلی، نسیم و فراهانی منفرد ، مهدی (۱۳۸۷)، اندیشه های هزاره مدارانه نقطویه، فصلنامه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دوره ۴، شماره ۲ ، ص ۹۹-۱۲۰

رضازاده، طاهر و خسروشاهی، مریم(۱۳۹۷) ، شمایل نگاری صور نجومی و آثار هنر اسلامی ، تهران: نشر متن

سن، ماریان، فیلیپس، لوئیز، (۱۳۹۴)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی

شریعتی، علی (۱۳۵۰)، تشیع علوی و تشیع صفوی ، انتشارات حسینیه ارشاد، تهران

صرامی، عارفه و مختاریان، بهار (۱۳۹۵)، بازنمود زحل و باورهای مربوط به آن در نگاره ها، مجله هنرهای تصویری چیدمان ، سال پنجم، شماره ۱۴، تابستان : ص ۵۴-۶۸

عفیفی، رحیمی (۱۳۸۳)، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته های پهلوی، چاپ ۲، تهران : توس

عضدانلو، حمید.(۱۳۶۶). گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی

قدیانی، عباس (۱۳۸۷)، فرهنگ جامع تاریخ ایران، چ ۶، ج ۲، تهران: نشر آرون

کریمی،بهزاد(۱۳۹۶)، زمان نگری و کیهان باوری در عصر صفوی، نشر ققنوس، تهران.

www.SID.ir

Archive of SID

کشمیری، مریم (۱۳۹۷)، مقام نوازندگان در عصر صفوی بر پایه نگاره مستی الهوتی و ناسوتی اثر سلطان محمد، هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی، تابستان، دوره ۲۳، شماره ۲، صص.

کنبی ، شیلا ، (1391)*کتاب نقاشی ایرانی*، مترجم مهری حسینی ، نشر دانشگاه هنر ، تهران.

گیاهی یزدی، حمیدرضا(۱۳۹۵) ، تاریخ نجوم در ایران ، چ ۲، تهران : دفتر پژوهش های فرهنگی

فوکو، میشل(۱۳۷۸)،مراقبت و تنبیه: تولد زندان،ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده،نشر نی، تهران.

فیرحی، داوود(۱۳۸۴)، قدرت دانش مشروعی، تهران، نشر نی.

مصفی، ابوالفضل (۱۳۵۷)، فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه های کیهانی در شعر فارسی، تبریز: انتشارت موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، شماره ۳۱

مهدی زاده، علیرضا (۱۳۹۹). شاهکار نگارگری شیعی دوران صفوی، تهران: نشر سوره ی مهر

نظرلی، مائیس (۱۳۹۰)، جهان دوگانه مینیاتور ایرانی، ترجمه عباسعلی عزتی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.

یعقوب زاده،آزاده و عبداللهی فرد ،ابوالفضل و عباس زادهف محمد و میرزایی، عبدالله و صدقی، ناصر (۱۴۰۰)،هنر درباری و خشونت نمادین (مورد مطالعه:طراحی قالی عصر صفوی)، فصلنامه علمی جامعه شناسی فرهنگ و هنر،دوره ۳، شماره ۲،تابستان ۱۴۰۰: ص۷۸-۱۰۱

Farhad, Massumeh- Bagci, Serpil, (2009), Falnama the book of omens, Thames & Hudson, USA

HARMAN, Mürüvet, (2012), THE ICONOGRAPHY OF SOME DESCRITIONS OF HELL FROM THE BEGINNING TO THE 17.TH CENTURY IN ISLAMIC MINIATURE ART, Review of the Faculty of Divinity, University of Süleyman Demirel,NUMBER:29

Cary Welch, Stuart,(1985), The Falnama (Book of Divination) of Shah Tahmasp, in Treasures of Islam, ed. Toby Falk (London: Sotheby s/Philip Wilson Publisher), Geneva.

Ritter, Hellmut and Plessner , Martin .(1962) , Picatrix – Das Ziel des Weisen von pseudo-Magriti" Translated into German from the Arabic (German Translation of the Ghayat Al-Hakim), Warburg Institiute university ,London

www.SID.ir